

شب قدر شب

«عروج انسان»

هوش یابید. حال عده‌ای میگویند، چرا در این سوره (قدر) آشکارا ذکر نکرده است قرآن را؟... جهاتی دارد:

جهت اول: قرآنی که درست ما است عبارت از حروف و الفاظی میباشد. اما در این (حروف و الفاظ) هدفگیری نشده است. که توضیحش انشاءالله به بعد موکول میشود. قرآن است اما نه این قرآن (یعنی نه این قرآنی که از حروف و الفاظ باشد) - مرجع ضمیر برمیگردد به قرآن. (اما به قرآنی که غیر از الفاظ و حروف میباشد) انشاءالله بعدا توضیح خواهیم داد. انزلناه: لغت نزول به معنای «هبوط» و در لغت هم به معنای انحطاط میباشد. عرب فرود آمدن را نزول میخواند.

جهت دوم: انا انزلناه، بدرستی که ما فر فرستادیم، قرآن را در شب قدر. در اینجا مراد چه چیز قرآن است... عده‌ای گفتند یعنی ما ابتدا کردیم فر فرستادن قرآن را در شب قدر. آیا مراد همه قرآن است یا مقداری از آن؟ چه آیه‌ای؟ چه سوره‌ای؟... اینها مسائلی است که طرح میشود.

دسته‌ای که گفتند «ما ابتدا کردیم...» اشتباه نموده‌اند در صورتیکه آیه نداره ما ابتدا کردیم نزول قرآن را بلکه میگوید فر فرستادیم. بعضی‌ها میگویند منظور نزول آیات همین سوره قدر است. انزلناه یعنی همین آیات سوره قدر را فر فرستادیم.

اگر از نظر ظاهر همین حروف و الفاظ باشد قبلا باید بفرو فرستاد بعد خبر بدهد که ما فر فرستادیم عده‌ای از مفسرین میگویند، چنانکه از متون و روایات اسلامی گرفته میشود مراد از آیه انزلناه مجموعه قرآن است که از لوح محفوظ نازل شده به آسمان دنیا. حال ببینیم مراد از این انزال چیست برای اینکه گفته شود که مسئله شروع و ابتداء بقرآن نبوده حال خود کلمه انزلناه را معلوم میکنیم که چیست و بعد معلوم میشود که اول یا ابتدا نیست بلکه مجموعه است.

لغت اصلی نزول را از نظر ادبی در قالبهای مختلف میریزیم تا معنای مختلف نزول را بدانیم.

اگر «نزول» را در قالب باب افعال ببریم مثل افعال، یفعل افعالا انزل، ینزل، انزالا. پس انزل بر وزن افعال، فرود «دفعی» است. (یکمرتبه) اما اگر «نزول» را در قالب باب تفعیل ببریم مثل فعل، یفعل، تفعیلا، نزل، ینزل، تنزیلا. پس تنزیلا بر وزن تفعیلا یعنی فرود «تدریجی» قطعه، قطعه. مراجعه میکنیم به قرآن. آیاتی که در قرآن است اگر نسبت به نزولشان دسته بندی کنیم دودسته‌اند: یک دسته در قالب نزول «دفعی» و یک قسمت دیگر

جهاد

وایام ولیالی که مولا امام علی (ع) به لقاء الله و به پیشگاه معشوق می شتابد، سودجسته و به جهاد اکبر دست یازند، وجه خسران و زیان عظیمی نموده‌اند. افرادی که همچون گلشنه، فقط در اندیشه «من» بوده و «او» را فراموش کرده‌اند. و در نتیجه «خود» را نیز به فراموشی سپرده‌اند. نسوا الله فانسیهم انفسهم و مانیز یسهم خود، برای برگزاردن هر چه آنگاهانه تر و بامعنی‌تر از این ماه، دست به چاپ تفسیر سوره قدر از یکی از استاد حوزه علمیه زدیم تا در هر چه بهتر و بیشتر توشه گرفتن از این ماه مبارک، موفق باشیم.

ذکر می فرماید.

بنابراین تا اینجا دو مسئله وجود دارد، ۱- مسئله حتمی بودن که هیچ دران شائبه نیست. ۲- از یک مقام با عظمتی (ما) نازل میشود. «انزلناه»: فرو فرستادیم ما او را. در اینجا باز کلمه «نا» استعمال شده. (انا انزلناه) بدرستی که «ما» فرو فرستادیم آن چیز را. اما بحث درباره کلمه «ه»: اول باید مرجع ضمیر «ه» از انزلناه را بدست آوریم تا بعد بتوانیم «انزلناه» را معنی کنیم. چه چیزی را ما فر فرستادیم؟ در اینجا هیچ اختلافی نیست بین علما و مفسرین. که مراد «قرآن» است. بدرستی که ما فر فرستادیم قرآن را. و این روش در قرآن پکار رفته است. همسوره انعام آیه ۹۱ دارد: «و هذا کتاب انزلناه مبارک» و این (قرآن) کتاب است که فرستادیم آنرا با برکت بسیار.

در این سوره هم، قبل از «انزلناه» کتاب را ذکر کرده است که مقصود همان قرآن می باشد. در سوره یوسف آیه ۲ داریم «انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون» این قرآن مجید را ما به عربی (فصیح) فرستادیم که شما به تعلیمات آن عقل و

مقدمه:

رمضان، ماه خدا، ماه خودسازی، ماه نزول وحی الهی و ماه خداگونه شدن، فرامی رسد، انسان مسلمان در اندیشه بهره جستن از این فرصت طلایی و از این ضیافت الله (میهمانی الهی) بسر برده تا هر کسی به اندازه توان و ظرفیت خویش به زدودن زنگاره های مادی و دنیائی پرداخته و در مسیر رشد خویش به تکامل و تعالی دست یابد و وجه خوشبخت و سعادت مندند کسانی که از این ایام ولیالی مبارک مخصوصا شب قدر (که از هزار ماه برتری دارد)،

* بسم الله الرحمن الرحیم *

مسئله اینکه این سوره شریفه در مکه نازل شده و یا در مدینه اختلاف است. مطالبی که در این سوره هست، هم تناسب دارد که در مکه به پیغمبر نازل شده باشد و هم در مدینه. گرچه مفسرین مینویسند این سوره مکی است. اما باز هم مورد اختلاف است.

ابتدا باید کلمه به کلمه آیات این سوره را معنی کرد، بعد (دیدها و فرازهای) زیادی که در این سوره گنجانیده شده با دقت زیاد بدست آورد.

تفسیر: انا انزلناه فی لیله القدر

شرح مختصری درباره کلمات:

اینجا لفظ «ان» که افاضه حتمیت است در اول سوره آورده شده. پس معلوم میشود (خداوند) تمام کلماتی را که در سوره هست حتمیت میدهد به این سوره. و با کلمه (نا) حق تعالی عظمت خویش را

آنچنانکه از متون و روایات اسلامی گرفته میشود مراد از آیه «انزلناه» مجموعه قرآن است که از لوح محفوظ نازل شده به آسمان دنیا.

ولی هر جا که بحث تدریجی است جبرئیل پیدا میشود و به شکل دوم است.

درسوره بقره آیه ۹۶ میفرماید: «قل من کان عدو الجبرئیل فانه نزله علی قلبک باذن الله...» - بگو ای پیغمبر هر که با جبرئیل دشمن است با خدا دشمن است زیرا او به فرمان خدا قرآن را به قلب پاک تو بطور تدریجی میرساند البته جبرئیل با یک موج دیگر (غیر از موجهای صوتی معمولی بشری) - یعنی موج ماورای جهان و طبیعت با پیغمبر صحبت میکند.

درسوره الشعراء آیه ۱۹۱ میفرماید:

«وانه لتنزیل من رب العالمین» و این قرآن به حقیقت از جانب خدا بصورت تنزیل «تدریجی» نازل شده است. بوسیله «نزل» به الروح الامین فرشته بزرگ خدا نازل گردانید.

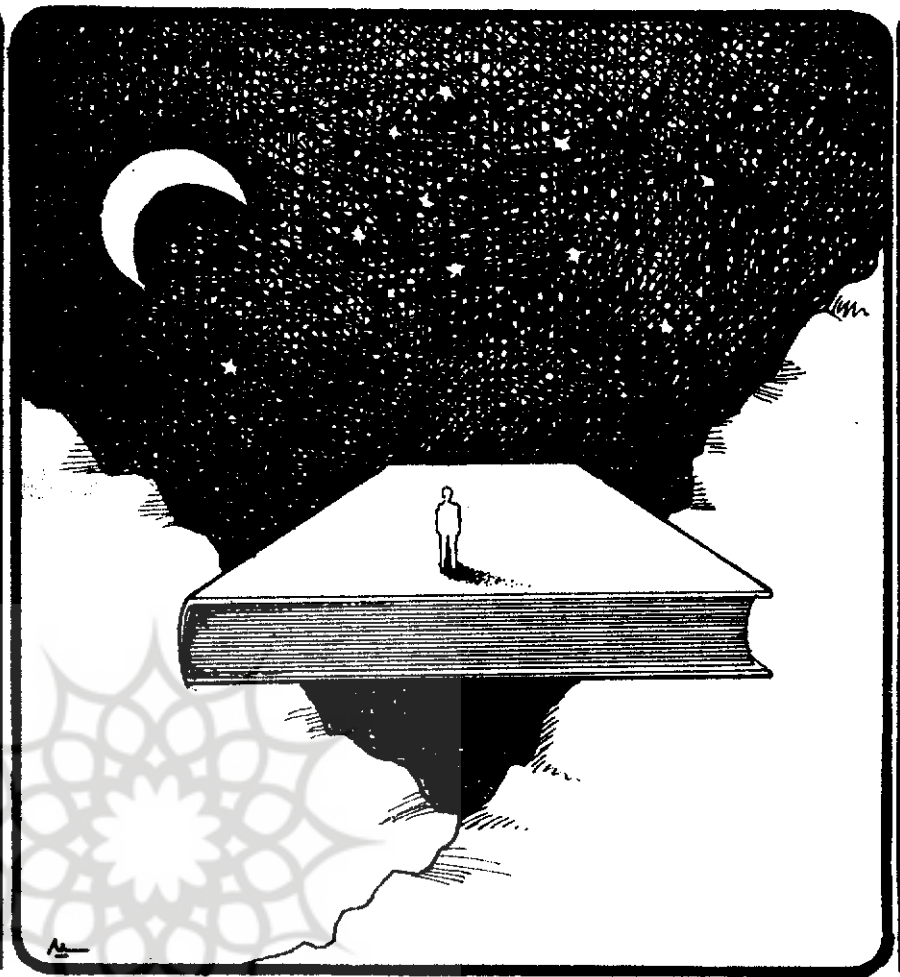
درسوره نحل آیه ۱۰۱ میفرماید: «قل نزله روح القدس من ربک بالحق...» بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگار من به حقیقت و راستی نازل گردانید پس در مورد «دفعی» واسطه ای نبوده ولی در مورد «تدریجی» واسطه ای بوده است. و اما یک مطلب دیگر و آن این است که اگر به آیات مراجعه کنیم در آنجائی که فرود بصورت «تدریجی» است بحث «الناس» یعنی مردم مطرح میشود البته علاوه بر جبرئیل.

پس نتیجه این است که لازم نبود خداوند قرآن را در آنجا یعنی سوره «قدر» ذکر کند ولی اگر میگفت انا انزلناه، قرآن درباره الفاظ بحث میکرد و در واقع میتوان گفت که الفاظ قرآن را نازل کردیم. ولی اینجا مربوط به روش معنوی قرآن میباشد و درباره حقایق قرآن بحث میکند نه از الفاظش. بنابراین اول نزول «دفعی» است برای پیغمبر و سپس نزول تدریجی به وسیله روح الامین برای بشر.

«انا انزلناه فی لیل القدر» بدستیکه ما فرستادیم «قرآن» را یک مرتبه در شب قدر.

اما این فرستادن فرودگاش در کجاست... یعنی قرآن در کجا فرود آمد؟...

اولا در اینجا عبارت از حقیقت قرآن میباشد که ما او را فرستادیم یک مرتبه، و فرودگاش قلب ورق بزنید



حقیقت قرآن در شب قدر بر قلب مقدس پیامبر (ص) (با آن حالت اولیه و مخصوص که پیدا کرده بودند) فرود آمد.

آیاتیکه در قرآن است اگر نسبت به روح الامین باشد بندی کنیم دو دسته اند: یک دسته در قالب نزول «دفعی» و یک قسمت دیگر در قالب نزول تدریجی.

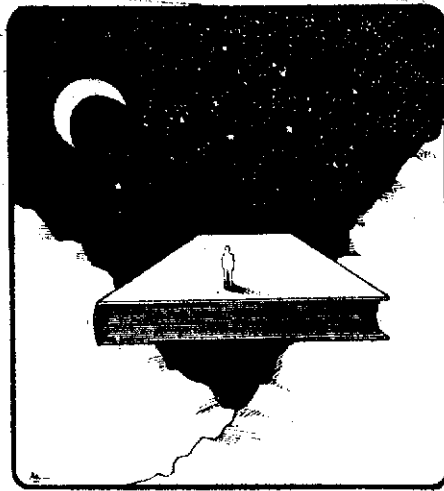
در قالب نزول تدریجی.

بعنوان نمونه در آنجائی که بصورت نزول دفعی است همین سوره مبارکه «قدر» را آورده است.

درسوره اسرا آیه ۱۰۵ میفرماید «و قرآنا فرقناه لتقرأه علی مکث و نزلناه تنزیلا». و قرآنی را که جزء جزء بر تو فرستادیم تو نیز بر امت بتدریج قرائت کن. این قرآن کتابی از تنزیل بزرگ ماست.

درایه بالا چون لفظ «تنزیل» را آورده پس قرآن بصورت تدریجی نازل شده است. باز درسوره فرقان آیه ۳۱ میفرماید «وقال الذین کفروالاولا نزل علیه القرآن جمله واحده کذالک لنتبت به فوادک و رتلناه ترتیلا». و باز کافران جاهل به اعتراض گفتند که چرا این قرآن (اگر از جانب خدا است) یکمرتبه برای رسول نازل نشد.

ای رسول جاهلان ندانستند بدستیکه حکمتش در این است که «تدریجا» ما ترا به آن دل آرام میکنیم و اطمینان قلب میدهم و بدین سبب آیات خود را بر تو مرتب و نیز به ترتیبی روشن فرستادیم. نتیجه ای که تا اینجا بدست آوردیم این است که «انا انزلناه» تمام قرآن است. اما یک خصوصیت دیگر جانی که قرآن بخواهد بگوید بصورت دفعی و یکمرتبه نازل شده بحث جبرئیل را پیش نمی کشد.



مقدس پیغمبر (ص) میباشد.
البته برای قلب هم اذکار مخصوصی را ذکر کرده‌اند.

و آن حالتی است که قلب منبع الهامات و اشراقات الهی میشود. حقیقت قرآن در شب قدر بر قلب مقدس پیغمبر (ص) (با آن حالت اولیه و مخصوصی که پیدا کرده بودند) فرود آمد. و این غیر بحث تنزیل است ما از این آیه این استفاده را میکنیم که قرآن دفعتا نازل شده بر پیغمبر (ص).

چون هر چیزی که فرود میاید مسلما فرودگاهی میخواید. حتی در کتاب «سیوطی» نقل میکند که آن فرودگاه قلب مقدس پیغمبر (ص) است.

و اما مرجع ضمیر قبلا تحقق پیدا کرده و این سوره سالهاست که نزول یافته به قلب پیامبر در شب قدر. بدرستی که ما فرو فرستادیم. «قبلا» این سوره را بر پیغمبر.



«انا انزلناه فی لیلہ القدر». بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر. صحبت در این است که «لیلہ القدر» چیست.

راجع به قدر که چه معنایی دارد. بحثهایی بین مفسرین است به این شرح:

۱- تزیین و تنگ کردن ۲- عظمت و بزرگی

۳- اندازه گیری

و این سه معنا در قرآن هم آمده است.

یک عده اولی را میگویند همان معنای تزیین و تنگ کردن. یک عده دومی را میگویند. شب قدر دارای عظمت و بزرگی است. که در قرآن سوره انعام آیه ۹۰ میفرماید:

«وما قدر و الله حق قدره انسالوا انزل الله علی بشر من شیء» آنها که گفتند خدا بر هیچیک از بشر کتابی نفرستاده است خدا را شناخته اند...

عده ای دیگر میگویند در آن شب اندازه گیری میشود امور. برکتها خیرها و مغفرتها. آنهایی که در سرنوشت انسانها در آن سال سر و کار دارند.

در سوره الاعلی میفرماید: «والذی قدر فهدی»

یعنی به هر چیزی خداوند قدر و اندازه ای داده است.

اینها حرفهایی است که مفسران میگویند. ما میتوانیم از آیات قرآنی بدست بیاوریم که شب قدر چیست

البته غیر از روایاتی که در متون اسلامی است. در سوره دخان داریم:

«حم. والکتاب المبین. انا انزلناه فی لیلہ مبارکه

«این بسیار زیباست که مطلب را قرآن بیان میکند.

که «انا انزلناه» بدرستی که ما آن کتاب (قرآن) را فرو

فرستادیم. در شب مبارکی. بعد کلمه «فیها» مربوط به

اموری است که در ارتباط با بشر است. و جنبه

سرنوشتی دارد در آن شب. آن شب، شب بزرگی است

(عظمت و بزرگداشت). شب قدر است به معنای یا

منزلت بودن و عظمت داشتن. اما آیا حیثیتش مربوط

به ذات زمان است یا اکتسابی است؟

می باشد.

و اما اختلافاتی که هست عده ای میگویند نیمه شعبان، عده ای دیگر میگویند، اول شوال بعضی ها میگویند اصلا یک شب نامشخصی است در تمام سال. و علتش اینست که انسان همیشه متوجه خداوند باشد و به معصیت و گناه نپردازد. چرا که ممکن است در آنروز که معصیت میکند، شب قدر در آنوقت باشد. باید پناه برد به خدا که ما را از شر هواهای نفسانی برحذر بدارد.

«اللهم اغفر له الذنوب التي تهتك العصم»

عده ای دیگر میگویند ماهش مشخص شده و آن ماه رمضان است و اینها استدلال محکم و قوی دارند که عبارت از قرآن می باشد. در سوره بقره آیه ۱۸۴ دارد، «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن» ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است.

اما کدام ماه رمضان؟...

همان ماهی که قرآن نازل شده است (در این آیه) و همان ماده انزال «دفعی» استعمال شده است مانند سوره قدر و سوره دخان آیه ۲ و بقره در بالا ذکر شد. آنچه را که از قرآن بدست میآوریم شب قدر بطور مسلم در ماه رمضان بوده است.

و اما اینکه گفته شد که شب قدر در ماه رمضان است صحبت در این است که آیا چه شیئی است از شبهای ماه مبارک رمضان؟

بعضی ها گفته اند. شب اول ماه. بعضی مثل

حسن بصری میگویند نیمه ماه. یکعده گفتند ۱۷،

بعضی ۱۹، و بعضی دیگر ۲۱ دانسته ولی

مشهورتر از همه ۲۳ ماه رمضان است. در این باره

در متون اسلامی روایات زیاد است. حتی مرحوم

فیض در تفسیر «صافی» در مقدمه «نهم» (البته

مربوط به تفسیر سوره قدر نیست) نقل میکند: مسئله

نزول قرآن را که گفته شده در ماه رمضان نازل

گردیده، تمام کتب آسمانی بیغیران در همان شب

نازل شده.

مانند انجیل، زبور و غیره... اما چه شیئی؟

مشخص نیست. ولی آن چرا که روایات مادلالت دارد

بیش از ۹۰٪، شب ۲۳ ماه رمضان است.

چرا این را مشخص نکرده اند بحثی جداگانه

است.

راوی میگویند شخصی به یکی از انماه (ع)

میگوید چرا آن شب - مشخص نشده است؟...

امام در جواب میفرماید: مگر تواز عبادت خسته

شده ای؟ مگر تو میخواهی دائم در گناه و معصیت

باشی؟ دوست نداری که پاک باشی و خدا را بیشتر

عبادت کنی؟... حالا چون خداوند مشخص نکرده این

شب را حتما حکمتی در کار است منظور اینست که

انسان پیش خودش فکر کند اگر امروز یا امشب

فلان کار غلطی را انجام دهم ممکن است شب

قدر امشب باشد پس دائم اگر بیاد «قدر» باشد انشاء...

از گناه هم بدور است. (البته شخص متعهد به دین).

انسان در این دو شب یعنی ۲۱ و ۲۲ رمضان باید

خود را از گناهان تطهیر سازد تا به احتمال قوی شب

بقیه در صفحه ۵۰



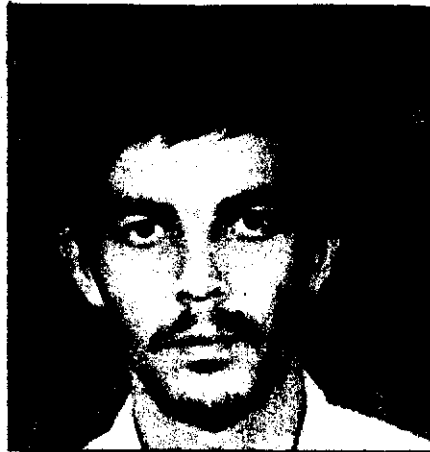
از شهدا بیاموزیم

شب قدر...

۲۳ که شب قدر است خودش را با روح پاکیزه و پراز صفا و معنویت وارد چنان شب نماید تذکر: نسبت به اینکه این شب ۲۳ ماه رمضان آیا قبل از بعثت نیز بوده یا نسبت به بعد از آن میباشد آن چرا که به حسب ظاهر احتمال دارد اینست که: مجموعه روایاتی را که در دست داریم درباره نزول قرآن اینست که میدانیم اولین سوره، سوره علق بود که به پیغمبر نازل شد و میدانیم (البته از روایاتی) که قرآن در عرض ۲۰ سال بتدریج بر پیغمبر (ص) نازل شد.

مدت پیغمبریش نیز ۲۳ سال بود در تاریخ داریم که ۲ سال از آمدن سوره علق «وحی» قطع شد. و پیغمبر خیلی ناراحت بود که این موضوع هم بحث مفصلی دارد.

درواقع نتیجه‌ای که گرفته میشود اینست که در یک شب قدر تمام حقایق قرآن به قلب مقدسش نازل شد بعد جبرئیل در عرض ۲۰ سال به پیغمبر الفاظ و حقایق قرآنی را نازل کرد تا پیغمبر به بشر بگوید. و البته احتمالات دیگری هم هست (ادامه دارد)



گوشه‌ای از زندگی نامه شهید جبار رضائی امشلی

اللهم ارزقنا شهادة فی سبیلک. خداوند شاهدت در راه خودت را به من اعطا کن
بار دیگر خون سرخی از خاندان پاک رسول خدا (ص) و انمه اظهار (ع) دورگهای دین جاری شده و خط گلگون شهادت را امتیازی دگر بخشید و همچون شمع فروزان در عالم تشیع با سوختن خویش و در کف نهادن هستی به روشنگری و هدایت جویندگان نور و حقیقت می پردازد و جهانی را روشنایی می بخشد و عالمی را به حرکت درمی آورد.

شهید جبار رضائی امشلی در خانواده‌ای مومن و متعهد درامش متولد شد. دوران تحصیل ابتدائی و متوسطه را در امشلی گذراند و سپس بمنظور تحصیل علوم حوزه در محله به قم مهاجرت نمود و مشغول فراگیری دروس حوزه در محضر آیت عظام و مدرسین فاضل شد و از منبع معلومات آنان کسب فیض نمود هوش و استعداد او در فراگیری دروس تاحسی بود که با طلاب فاضل به مباحثه می نشست.

شهید رضائی دروس حوزه را تا سطح لعمه فرا گرفت و سپس بنا به نیاز روستائیان و محرومیت آنان در آبانماه سال ۶۰ حوزه را بقصد کمک به روستائیان ترک گفته و بدین منظور فعالیت خود را در جهاد قم شروع نمود. در بزم فعالیت خود در جهاد سازندگی قم در واحد امار بود و سپس در واحد دفتری و حسابداری انجام خدمت می کرد او بارها مایل بود که به جبهه نبرد با صدامیان برود ولی با مخالفت مسئولین جهاد روبرو شده بود اما سرانجام با کاروان اعزامی جهاد قم در جریان حمله بیت المقدس به جبهه های خونین شهر رفت.

شهید رضائی در جبهه خونین شهر، مسئولیت حسابداری را به عهده داشت، ولی با اصرار به خط مقدم جبهه برای نبرد می شتابد و در این راه مرگ سرخ یعنی شهادت را به اغوش می کشد و آرزوی دیرینه اش تحقق می یابد.

پادش گرامی و راهش مستدام باد

جوروستم آماده سازند و مرگ پرافتخار را بر زندگی ذلت باز ترجیح دهند.

شهید رضا رحیمی خرسند در آبانماه سال ۱۳۳۶ در روستای صالح آباد در حومه شهر تهران در خانواده مذهبی و زحمت کش متولد شد. هنگامیکه شش ماهه بود، به همراه خانواده اش جهت تأمین زندگی در جنوب تهران، نازی آباد ساکن شدند.

شهید رحیمی خرسند در آغاز کودکی بسیار زحمت کش و کوشا بود و اعتقاد داشت که کار کردن و از دست رنج خود امری معاش نمودن عبادتی بس بزرگ است. او از همان زمان که توانست به موقعیت خویش در جامعه پی ببرد به کار کردن پرداخت و زندگی و مخارج تحصیلش را فراهم می نمود. وی پس از اخذ دیپلم فنی از هنرستان صنعتی شماره ۴ به عنوان یک کارگر ساده در یک شرکت داربست فلزی بصورت تمام وقت مشغول کار شد. شهید رضا بنا به اقرار دوستان و مسئولین شرکت داربست فلزی پیش از آنچه به کار مزد و کار خویش بیندیشد به انجام وظیفه و پیشرفت کار توجه داشت و حتی پیش از توانائی خودش فعالیت میکرد. شهید رحیمی خرسند در سال ۵۷ چون میلیونها جوان متعهد و مؤمن دیگر به یاری انقلاب برخاست و در این راه از هیچگونه کمک و مساعدت در راه پیروزی انقلاب کوتاهی نکرد. پس از پیروزی انقلاب به عنوان معلم در مدارس جنوب شهر تهران شروع به فعالیت نمود و ۱۵ ماه قبل از شهادتش جهت کمک به جبهه های جنگ در جهاد فارس و جبهه های جنوب وارد شد و در این راه خدمت می کرد. شهید از روحیه ای بسیار والا برخوردار بود، بودن در جبهه های نبرد از او یک عارف معنوی ساخته بود که جز به خدا نمی اندیشید و جز برای او قدم نمی گذاشت و وی سه روز قبل از شهادتش با برادر بزرگش تماس گرفت و از او خواست که به جبهه برای نبرد علیه مزدوران بعثی بیاید. برادرش در خواست او را اجابت کرد. رضا در شب یکشنبه ۶۸/۸/۱۲ در اغوش برادر خود در جبهه حسینه به شهادت رسید و مرگ سرخ را فراغوش می کشد.

فرازی از وصیتنامه شهید رضا رحیمی خرسند

بسم الله الرحمن الرحيم - باسلام و درود بر حضرت مهدی و نایب برحق اش امام خمینی و آنان که عاشقانه این راه را می پیمایند.

پدر، مادرو برادران و فرزندانم و دیگر عزیزان پس از سلام، اکنون که من این وصیت نامه را می نویسم نیمه های شب است و حال بسیار خوب است و با عقل کامل و روحیه ای شاد این راه را پس از تفکری علائقانه انتخاب کرده و هیچگونه تمبیلی در آن بر من نشده است.

مهرم: باسلام، تو خود میدانی که راهی را که من انتخاب نموده ام و در آن قدم گذاشته ام راهی پاک و بر اساس عقیده ام بوده است، و تو نباید پس از شهادتم ناراحت شوی. امام رادعاکن، بیشتر قرآن بخوان، فرزندانم را بخوبی تربیت کن که جز به راه حق نزود.

با شکست صدام...

خاتمه طی پیامی به برادران و خواهران جهادگر فرمودند: «من پیام برای این مجاهدین فی سبیل الله این است که راه خودشان را همانطور که تا حالا ادامه داده اند، باز هم ادامه بدهند. خلوص نیت و اخلاص قلبی خودشان را حفظ کنند و برای رضای خدا کار کنند، همانطوری که تا بحال کار کرده اند و در هیچ زمان از هیچ کس چشمداشتی نداشته باشند، همانگونه که تا حالا هم نداشته اند، فقط از خدا پاداش و عوض خودشان را بخواهند و بدانند که هر مقدار به این انقلاب و اسلام علاقمندند، این عشق و علاقه بایستی در صورت خدمت به روستائیان، روستائیان که همواره در معرض شدیدترین ظلم و ستمها و زورگونی ها و... قرار داشته اند، تجلی پیدا کند. جهادگران با ایمان و خلوص نیت و با مهربانی و عطوفت و زبان نرم و ملایم با روستائیان برخورد بکنند و تا آنجا که می توانند به این بندگان مستضعف و مورد عنایت خدا محبت کنند و بدانند خدمتی که انجام می دهند جنبه عبادت دارد و اشاء... اجر دنیا و ثواب آخرت را از خدای تبارک و تعالی بخواهند.»

والسلام

جهاد